

دیپلماسی آب در آیینہ رسا نہا

ره‌نگاران/ در منطقہای کہ کمبود آب بہ مسئلہای امنیتی و حیاتی تبدیل شدہ، تعامل میان ملتہای ہم‌حوضہ دیگر یک گزینه سیاسی نیست، بلکہ ضرورتی برای بقا و توسعہ پایدار است. دیپلماسی آب بہ‌عنوان ابزاری برای تبدیل اختلافہا بہ ہمکاری، زمانی کارآمد می‌شود کہ رسانہ‌ها روایت مشترک، شفافیت اطلاعاتی و گفتمان ہمزیستی را برجستہ سازند.

بہ گزارش [پایگاہ اطلاع‌رسانی رہ‌نگاران](#)؛ فاطمہ لطیفی فعال رسانہای در یادداشتی نوشت؛ آب در جہان امروز، نہ فقط یک منبع زیستی، بلکہ یک مسئلہ امنیتی، سیاسی و فرهنگی است، مسئلہای کہ می‌تواند عامل ہمگرایی یا شکاف، صلح یا تنش میان ملتہایی باشد کہ در یک حوضہ آبریز مشترک زندگی می‌کنند. منطقہ ما، چہ در حوزہ خزر و ارس، چہ در دجلہ و فرات، چہ در حوزہ‌های آبریز کوچکتر، نمونہ آشکاری از پیوند عمیق سرنوشت ملتہا با جریان آب است. اما آنچه می‌تواند اختلاف‌های بالقوہ را بہ ہمکاری بالفعل تبدیل کند، دیپلماسی آب است، نوعی تعامل چندبعدی کہ فراتر از قراردادهای فنی، بہ لایہ‌های فرهنگی، رسانہای و اجتماعی نیز تکیہ دارد.



دیپلماسی آب زمانی موفق است که «روایت مشترک» میان ملت‌ها ساخته شود، روایتی که رسانه‌ها می‌توانند ستون اصلی آن باشند. رسانه‌ها با ایجاد درک مشترک از بحران‌ها، انتقال تجربه‌ها، کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در تبدیل آب به فرصت همکاری دارند. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که پیش از امضای توافق‌نامه‌های رسمی، این «افکار عمومی» بوده که مرزهای ذهنی را جابه‌جا کرده و مسیر مصالحه را هموار ساخته است. در منطقه ما، جایی که کمبود آب با تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و مدیریت ناپایدار تشدید شده، رسانه‌ها نه تنها باید آگاهی‌بخشی کنند، بلکه باید زمینه گفت‌وگو را نیز فراهم آورند. مطرح کردن موضوعاتی مانند حقابه‌های تاریخی، اثرات سدسازی گسترده، مهاجرت اقلیمی و آینده امنیت غذایی، در فضایی حرفه‌ای و غیرهیجانی، می‌تواند به شکل‌گیری تصویری واقع‌گرایانه و علمی از مسئله آب کمک کند. رسانه‌ها باید از بازتولید رویکردهای ملی‌گرایانه تند که آب را به ابزاری برای فشار سیاسی تبدیل می‌کند، پرهیز کنند و در مقابل، «گفتمان همکاری» را برجسته سازند. صدای همکاری میان ملت‌های هم‌حوزه، یک انتخاب رسانه‌ای است.



وقتی رسانه‌ها به جای روایت‌های تقابلی، روایت‌های همکاری را بازتاب می‌دهند، مردم می‌پذیرند که امنیت و رفاه آبی یک معادله برد-برد است. آب ماهیتاً سیال است و مرز سیاسی نمی‌شناسد، همین ویژگی باعث شده که هرگونه مدیریت پایدار، به همکاری فرامرزی نیاز داشته باشد. در چنین شرایطی رسانه‌ها می‌توانند ارتباط دانشگاهیان، متخصصان آب، نهادهای مدنی، کشاورزان و حتی فعالان محیط‌زیست را با جامعه تقویت کنند و از طریق تولید محتواهای تحلیلی، مستندهای تحقیقی، گفت‌وگوهای چندجانبه و گزارش‌های میدانی، لایه‌های مختلف مسئله را برای افکار عمومی قابل درک سازند.

امروز در بسیاری از حوضه‌های مشترک منطقه، نبود شفافیت اطلاعاتی یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های بی‌اعتمادی است. رسانه‌ها با مطالبه‌گری حرفه‌ای، می‌توانند دولت‌ها را به ارائه داده‌های دقیق درباره میزان برداشت آب، ذخایر سدها، طرح‌های انتقال و اثرات زیست‌محیطی ملزم کنند. این شفافیت، خود یکی از پایه‌های دیپلماسی آب است. هرچه اطلاعات دقیق‌تر و در دسترس‌تر باشد، امکان سوء تفاهم کمتر و احتمال توافق بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر، رسانه‌ها باید نقش پل ارتباطی بین ملت‌ها را ایفا کنند. انتشار گزارش‌هایی از تجربه‌های موفق همسایگان، معرفی پروژه‌های مشترک، انعکاس دغدغه‌های مردم دو سوی مرز و استفاده از زبان غیرتنش‌آلود، می‌تواند دیپلماسی آب را از سطح دولتی به سطح اجتماعی گسترش دهد. تجربه‌های جهانی ثابت کرده که دیپلماسی آب هرگاه به سرمایه اجتماعی متکی شده، پایدارتر و کم‌هزینه‌تر بوده است.

در نهایت، همزیستی آبی یک ضرورت تاریخی است، نه یک انتخاب سیاسی.



منطقه‌ای که با بحران آب روبه‌روست، ناچار است آینده خود را بر پایه همکاری تنظیم کند. رسانه‌ها در این میان، نقش «سازنده آینده» را دارند؛ آینده‌ای مبتنی بر گفت‌وگو، برابری در بهره‌برداری، حفاظت از اکوسیستم‌ها و نگاه بین‌المللی به منابع مشترک. اگر قرار است آب، به‌جای زمینه‌ساز رقابت‌های تنش‌آفرین، به محور صلح و همزیستی تبدیل شود، باید صدای همکاری در رسانه‌ها تقویت شود، صدایی که نشان دهد هیچ ملتی در بحران آب برنده نخواهد بود، اما همه می‌توانند در مدیریت پایدار آن شریک شوند.